

## کاربرد معنی عاطفی در فرایند خود تصحیحی در زبان فارسی

دکتر محمدرضا پهلوان‌نژاد

هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

### چکیده

فرایند تولید گفتار شامل اجزایی است که نقطه آغاز آن از ایده موجود در ذهن گوینده است و نقطه پایان آن به تولید صورت زبانی منتهی می‌شود و شامل چهار مرحله است: ۱- مفهوم سازی ۲- فرمولبندی طرح‌های زبانی ۳- تولید ۴- اصلاح. فرایند خود تصحیحی در مرحله اصلاح انجام می‌شود و بدین صورت تعریف می‌شود. «هرگاه فرد به طور آگاهانه اقدام به قطع گفتار خود نموده و آن را تصحیح نماید از فرایند خود تصحیحی استفاده کرده است.» در این مقاله ابتدا به توصیف انواع معنی عاطفی در زبان فارسی و نحوه تبلور آن در حوزه سبک محاوره و معیار و در سطوح مختلف از جمله سطح واجی، واژگانی، نحوی و ساختاری پرداخته می‌شود و سپس به بررسی کاربرد و نقش معنی عاطفی در این فرایند در زبان فارسی می‌پردازیم.

کلیدواژه معنی عاطفی، خود تصحیحی، سبک محاوره، سبک معیار

## مقدمه

تاکنون هیچ‌گونه بررسی درباره معنی عاطفی در زبان فارسی با روش‌های علمی زبان‌شناسی به عمل نیامده است، گرچه برخی محققین از جمله آقای وحیدیان کامیار، اشاره‌ای بدین مفهوم کرده‌اند اما آن را از نظر زبان‌شناسی بررسی نکرده‌اند همانطور که آشکار است زبان فارسی، زبان عاطفی و استعارین است و مملو از این نوع معنی است. بررسی این نوع معنی ضمن اینکه در آغاز با ابهاماتی همراه است و این ابهام از تعریف این نوع معنی در زبان‌شناسی حاصل می‌شود اما بهر حال می‌تواند راهگشا باشد.

فرایند تولید گفتار شامل اجزایی است که نقطه آغاز آن از ایده موجود در ذهن گوینده است و نقطه پایان آن به تولید صورت زبانی منتهی می‌شود و شامل چهار مرحله است: ۱- مفهوم‌سازی ۲- فرمولبندی طرح‌های زبانی ۳- تولید ۴- اصلاح. فرایند خود تصحیحی در مرحله اصلاح انجام می‌شود و بدین صورت تعریف می‌شود. هرگاه فرد به طور آگاهانه اقدام به قطع گفتار خود نموده و آن را تصحیح نماید از فرایند خود تصحیحی استفاده کرده است. قبل از پرداختن به انواع معنی لازمست تعریف مختصری از معنی کلمه و معنی جمله ارائه دهیم.

لوبنر معتقد است: معنی یک کلمه مثل استم، فعل و صفت توصیف ذهنی از پدیده خاصی است و معنی جمله توصیفی ذهنی از موقعیت خاصی است که براساس موقعیت تعیین می‌شود. (لوبنر، ۲۰۰۲: ۳۶ - ۲۰)

### ۱- انواع معنی

#### ۱-۱- معنی توصیفی

بخشی از معناست که علاوه بر مسائل زمانی به ارجاعات بالقوه‌ای که یک کلمه یا جمله دارد نیز مربوط است.

معنی فرهنگواره‌ای یک کلمه شامل کل یک طبقه همراه با تمام مولفه‌های معنایی آن است و معنی فرهنگواره‌ای‌اش از طریق مثلث معنایی بیان می‌شود.

معنی فرهنگواره‌ای یک کلمه بطور مستقیم و از طریق معنی توصیفی آن بدست می‌آید مثلاً در مورد واژه کتاب ابتدا تصویری ذهنی ایجاد می‌شود که از طریق آن به مصداق کتاب می‌رسیم.

معنی فرهنگواره جمله برابر است با شرایط صدق جمله و اصطلاح خاصی برای معنای فرهنگواره‌ای جمله وجود ندارد.

معنی غیرتوصیفی در برابر معنی توصیفی قرار دارد و شامل نوع ساخت دستوری جمله است که در معنی جمله یا گزاره موثر است. مثلاً دو جمله سوالی و خبری اگرچه هر دو گزاره یکسانی دارند اما یک حامل خبر و دیگری حامل پرسش است. سهم معنایی نوع ساخت دستوری جمله جزئی از گزاره نمی‌باشد.

### ۲-۱ معنی اجتماعی

هر پاره گفتار به عنوان یک عمل ارتباطی در شبکه اجتماعی، دریافت خاصی دارد. معنی اجتماعی بخشی از معنای واژگانی کلمات خاص، گروهها یا ساخت‌های دستوری است و دارای ویژگی‌هایی است از جمله:

- شامل بخش غیرقابل تغییر معنای تحت‌اللفظی است.

- معنی اجتماعی بیانگر نوع رابطه گوینده با مخاطب است و رابطه سلطه و همبستگی در ارتباطات کلامی، تعیین‌کننده نوع واژه‌ها و ساخت‌های دستوری است.

- معنی اجتماعی مستقل از بافت است و حتی گاهی آنقدر برجسته است که جزئی از معنی لغوی کلمه است.

برخی ساخت‌ها معنی اجتماعی دارند مثل شما که معنی تحت‌اللفظی آن «تو» است و در همه زبانها گروههایی با معنی اجتماعی وجود دارد که معنی دیگری ندارند مثل Hi که فقط برای احوالپرسی است و همچنین Goodbye, sorry.

یک کلمه یا صورت دستوری زمانی معنی اجتماعی دارد که کاربرد آن تنها از طریق قواعد اجتماعی یا قواعدی که برای تعاملات اجتماعی بکار می‌رود تعیین می‌شود و بالعکس معنی توصیفی کلمات از طریق قواعدی که متناسب با واقعیت است تعیین می‌شود.

### ۳-۱ معنی عاطفی

هر پاره گفتاری بصورت آگاهانه یا ناآگاهانه بیانگر احساسات شخصی، عواطف، نگرش‌ها یا قضاوت‌های فرد است.

معنی عاطفی کلمه: جزئی از معنای واژگانی یک کلمه است که مستقل از بافت است و کلمات با معنی عاطفی بر دو نوعند؛

۱- کلماتی که صرفاً معنی عاطفی دارند مثل: اصوات خاص زبان که در زبانهای مختلف از نظر تعداد و معنی متفاوتند.

۲- کلماتی که هم معنی عاطفی و هم معنی توصیفی دارند.  
برخی احساسات و نگرش‌ها ممکن است به دو طریق بیان شوند: یا مستقیماً از طریق کلمات و بصورت ذهنی و یا بوسیله جملاتی که معنی توصیفی دارند و بصورت عینی. اصوات و بیان عاطفی<sup>۱</sup> می‌توانند یا به عنوان یک پاره گفتار کامل بکار روند و یا در درون جمله قرار گیرند که سهمی در گزاره ندارند.

مانند **hopefully** به تنهایی و **hopefully Bob will arrive to night**  
دشنام‌ها، چیزی به معنی جمله نمی‌افزایند اما احساسات را به جمله منتقل می‌کنند مانند **you fuckin pricks** معنی عاطفی بسته به فرهنگ‌های مختلف متفاوت است.  
Alan cruse در کتاب **meaning in Language** نیز به بررسی معنی عاطفی می‌پردازد. او تعریفی از معنی عاطفی بدست نمی‌دهد و فقط انواع آنرا برمی‌شمرد و بحث خود را با مسائلی به پیش می‌کشد.  
دو جمله زیر را در نظر بگیرید، هر دو جمله به یک معنی هستند.

۱-Gosh!

۲-I'm surprised

جمله اول مانند گریه یک بچه و یا صدای گریه، کاملاً احساسی بیان شده است. این جمله نمی‌تواند زمان گذشته بگیرد و هیچ گزاره‌ای را بیان نکرده است. نمی‌تواند مورد انکار یا پرسش قرار گیرد و از لحاظ خصوصیات نوایی قابل درجه‌بندی است و در هنگام تعجب فراوان با صدای بلندتر و زیر و بمی بیشتری تولید می‌شود.  
اما جمله دوم گزاره‌ای را بیان می‌کند و می‌تواند مورد انکار یا پرسش قرار گیرد و در موقعیت‌های دیگر می‌تواند توسط فرد دیگری به کار رود. ایشان انواع معنی عاطفی را بدین شرح ذکر می‌کند:

۱- کلمات بی‌محتوا: کلماتی که فقط معنی عاطفی دارند و معنی توصیفی ندارند.

مانند:

آه، لعنتی، اه، به و ...

۲- کلماتی که هم معنی توصیفی و هم معنی عاطفی دارند:

**Damn** فقط دارای معنی عاطفی «بی‌نهایت» است **It was damn cold**

---

<sup>۱</sup> - Exclamation

stop blubbering (به معنی با صدای بلند گریه کردن)

در فارسی واژه‌های: ناله کردن، جیغ کشیدن، کودن و ...

سوالی و منفی ساختن جمله اول تنها بر معنی توصیفی این جمله قابل اعمال است و در سوال معنی عاطفی بیان نمی‌شود.

۳- معنی ارزشی (evaluative meaning): وضعیت‌های مختلفی را در بردارد و گاهی اوقات گزاره‌ای نیست. در مجموعه کلمات *steed* (توسن)، *nag* (اسب کوچک سواری)، *horse* (اسب)، براساس ششم زبانی می‌توان دریافت که اختلاف بین *horse, steed* کاملاً عاطفی است اما اختلاف بین *horse, nag* توصیفی یا گزاره‌ای است.

۴- کلماتی که بالقوه دارای معنی عاطفی هستند و معنی عاطفی آنها تنها از طریق آهنگ و تکیه بیان می‌شود مانند *superlatives still, yet, already* که این کلمات از نظر عاطفی خنثی هستند اما اگر تکیه داشته باشند، می‌توانند معنی عاطفی داشته باشند.

۵- تشدیدکننده‌های عاطفی *expressive amplifiers* کلماتی که هم می‌توانند معنی عاطفی خنثی داشته باشند و هم می‌توانند دریافت خاص معنی عاطفی را تقویت کنند، بدون این که به عوامل نوایی نیاز باشد این کلمات با کلمات مترادف در تضادند.

مثلاً بین دو جمله

a. I want you to go on with the treatment for a few more weeks

b. I want you to continue with the treatment for a few more weeks

تفاوت چندانی وجود ندارد اما بین دو جمله زیر تفاوت چشمگیری وجود دارد.

a. they went on banging on the wall for ages

b. they continued banging on the wall for ages

## ۲- معنی اجتماعی در برابر معنی عاطفی

اغلب معنی شناسان تمایزی بین معنی عاطفی و معنی اجتماعی قائل نیستند و کاربرد صورت‌ها و کلمات با معنی اجتماعی از طریق قواعد اجتماعی رهبری می‌شود که برای عذرخواهی، احوالپرسی و ... بکار می‌روند. در عوض کلمات با معنی عاطفی با معیارهای مختلفی از جمله احساسات و نگرش‌های یک فرد رهبری می‌شود که ممکن است نتایج احتمالی به بار آورد. اما گاهی برخی واژه‌ها قاعده مشخصی ندارند. برخی کلمات با معنی اجتماعی بیانگر عواطف و نگرش‌ها هستند مانند: اصطلاحات تشکر و عذرخواهی.

## ۳- معنی عاطفی در زبان فارسی

معنی عاطفی در زبان فارسی عبارتست از هر پاره گفتاری که به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه بیانگر احساسات شخصی، عواطف، نگرش‌ها یا قضاوت‌های فرد باشد.

برای بررسی این نوع معنی باید ابتدا گونه‌های زبانی را از هم تفکیک کنیم زیرا گونه‌های زبان ادبی و محاوره مملو از این نوع معنی‌اند در حالی که در گونه زبان رسمی نمونه‌های کمتری وجود دارد.

صرف‌نظر از گونه ادبی، حوزه بحث ما مربوط به زبان محاوره و زبان معیار فارسی امروز است.

همچنین به منظور دستیابی به یک تحلیل دقیق‌تر این نوع معنی را در سطوح مختلف - یعنی در سطوح واجی، نحوی و واژگانی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### ۱-۳- معنی عاطفی در سطح واجی:

دلالت صدای حروف بر صدای اشیا و مفاهیم خاص حرف تازه‌ای نیست بلکه از دیرباز مورد بحث بوده است و علمای اسلامی از جمله بوعلی سینا به برخی از آنها اشاره کرده‌اند.

وحیدیان کامیار در فرهنگ نام آواها در زبان فارسی می‌آورد:

هر یک از حروف ویژگی‌های خاصی دارند که بر نرمی، درشتی، کوچکی، بزرگی، پاشیدگی و غیره دلالت می‌کند و مصوت‌های زیر بر کوچکی دلالت می‌کنند و مصوت‌های بم بر بزرگی. صامت‌ها نیز از جمله h حالت سایش کمی دارد و شبیه نفس کشیدن برعکس X /خ/ سایش بیشتری را دارد و خشن است. صدای تکریری است و نشان‌دهنده تکرار و لرزش است.

همچنین در کتاب آناتومی شعر درباره دلالت حروف بر مفاهیم آمده است که:

مصوت‌های بلند پیش از مصوت‌های کوتاه بر آرامش و وقار دلالت دارند.

- مصوت‌های کوتاه حاکی از حرکت سریع و هیجان هستند.

- «ب» و «پ» بر صدای انفجاری، سرعت و حرکت دلالت دارند.

- م و «ن» از زمزمه، آواز، موسیقی حکایت می‌کنند.

- «ل» بر مایع روان، جوی آب، استراحت، آرامش، سرخوشی دلالت دارند.

- «ک» و «گ» و «چ» حاکی از خشونت، درشتی و سختی، سروصدا بر خوردارست.

- «س» و «ش» بر صداهای هیس، فش، همچنین صداهای نرم و صاف و آرامش‌بخش دلالت دارند.

– «ز» به بافت کلام خشونت می‌دهد و «ف» و «تا حدی «و» حاکی از باد، بریدن و هر نوع حرکت سبک و ساده است.

وحیدیان معتقد است صدای «ز» در واژه‌هایی مانند رمز، راز، نیاز، فراز، آواز نه تنها به خشونت دلالت نمی‌کند بلکه بیانگر نوعی زیبایی خاص است و نیز «ر» بر تکرار و حرکت دلالت دارد. لذا هر یک از واجها با توجه به ویژگیهایی که دارند می‌توانند در سطح فرازبانی عمل کنند و علاوه بر نقش زبانی خود، نقش‌های دیگری نیز داشته باشند از جمله اینکه ابزار بیان غیرمستقیم عواطف، احساسات و نگرش‌های فرد باشند. به نظر نگارنده برخلاف نظر دیگر محققان نمی‌توان برای هر واج مفهومی خاص در نظر گرفت بلکه زیرا اولاً چنانچه دیدیم این مفاهیم ثابت نبوده و با هم در تناقض‌اند ثانیاً این واجها در نمود آوایی‌شان فقط می‌توانند مفهومی را پررنگ‌تر نشان دهند و یا به بروز احساس درونی گوینده کمک کنند. لذا برای حروف نمی‌توان معنی عاطفی قائل شد بلکه آنها می‌توانند به بیان معنی عاطفی جمله یا کلمه یا گروه کمک کنند که معمولاً به دو طریق می‌توان این کار را کرد:

۱- با تکرار آن حرف در سطح کلمه، جمله یا گروه مانند گل گلی، خط خطی

۲- با برجسته‌کردن آن بوسیله عوامل از جمله تکیه و یا کشش، مکث و ... مانند همیشه دیرمیای

عناصر زبرزنجیری نیز مانند تکیه و آهنگ نیز می‌توانند در تقویت معنی عاطفی جمله سهم عمده‌ای داشته باشند اما خود فاقد معنی عاطفی‌اند. مثلاً در دو جمله علی هنوز نیامده است و علی هنوز نیامده است. در جمله دوم که تکیه بر واژه هنوز است، نوعی احساس خشم و شگفتی بر معنی جمله افزوده می‌شود. و یا در دو جمله زیر:

علی دیر می‌آید (آهنگ افتان)      علی دیر می‌آید (آهنگ خیزان)

آهنگ خیزان در جمله دوم احساس خشم و تعجب را به معنی جمله می‌افزاید.

۳-۲- معنی عاطفی در سطح واژگانی:

در این سطح کلماتی را که دارای معنی عاطفی هستند می‌توان به دسته‌های زیر تقسیم کرد:

– کلماتی که صرفاً معنی عاطفی دارند. مانند لعنتی، چندی، ...

– نام آواها: مانند: به‌به، واق واق و ...

کلماتی که میان لفظ و معنی آنها رابطه طبیعی وجود دارد و اغلب آنها بر اثر حالات درونی چون اندوه، شادی، تعجب، تحسین و ... بطور طبیعی ادا می‌شوند. گاهی این کلمات

در مقام یک جمله عمل می‌کنند و این کلمات گرچه می‌توانند نقش یک جمله را داشته باشند اما در واقع کلمه هستند.

- تعریف اصطلاح عامیانه (slang):

کلماتی هستند که در بین گروه‌های اجتماعی خاص با مفاهیم خاصی بکار می‌روند این کلمات چون در میان هر گروه که ارزش‌ها، نگرش‌ها و علایق و احساسات خاصی دارند شکل می‌گیرد می‌تواند بیانگر احساسات، نگرش‌ها و ... هر یک از افراد آن گروه بصورتی خاص باشد.

واژه‌های عامیانه:

اکیوسان: زرنک، نابغه

ایفل: قدبلند .

افه: مخفف افاده، پزدادن

باقلوا: باحال، دوست‌داشتنی

بچه راکفلر: بچه مایه‌دار

برویج: دوستان صمیمی

- دشنام‌ها:

این نوع کلمات عموماً فاقد معنی بوده‌اند و معنی تحت‌اللفظی آنها مدنظر نیست بلکه آنها فقط بیانگر احساساتی چون خشم، نفرت و عصبانیت و ... هستند. و این معانی را به جمله می‌افزایند.

البته برخی از دشنام‌ها ممکن است نه تنها بیانگر احساس نفرت باشند بلکه ممکن است بیانگر علاقه، عشق و شادی نیز باشند مانند: پدری که به بچه خود بگوید: زشت دیوونه که می‌خواهد علاقه خود را نشان دهد. کچل خپل و ...

- برخی صفات ممکن است با موصوف‌های خاصی همراه شوند و بیانگر شدت یک خصوصیت باشند که این ناشی از احساس درونی گوینده است که می‌خواهد مثلاً بر ویژگی سردی آبمیوه تاکید کند چای لب سوز لب دوز، دیشلمه، آبمیوه سرد تگرگی، برنج طارم فرد اعلا.

کلماتی که هم معنی توصیفی و هم معنی عاطفی دارند: مانند این کلمات همزمان معنی توصیفی، معنی عاطفی نیز دارند:

اشک ریختن، دم‌زدن، قراردادن، غربتی، بگومگو، ول‌گشتن، دورزدن، آه‌کشیدن



این گونه کلمات ضمن اینکه معنی توصیفی دارند، بار عاطفی معنایی نیز دارند مثلاً آه کشیدن به جای از ته دل ناراحت بودن در مواردی بکار می‌رود که بخواهد این مفهوم را با حس تأثیر بیان کند.

- اتباع:

عبارتست از تکرار کلی یا جزئی یک تکواژ برای مفاهیمی مانند نظایر، تاکید، فراوانی اطراف، کل و ... (وحیدیان، دستور زبان فارسی گفتاری ص ۷۶)

مثل چیز میز، خرت و پرت، قاتی پاتی، چاخان پاخان، شلوغ پلوغ، چرند و پرند و ...

- کلماتی که هم معنی عاطفی دارند و هم معنی اجتماعی دارند. مانند عزیزم، جیگرم،

دلبندم، عسلم، کلمات تشکر و عذرخواهی: متشکرم، ممنونم، خداحافظ

- کلماتی که همزمان معنی توصیفی و عاطفی دارند مانند: بگومگو، اشک ریختن، آه

کشیدن و ...

- کلماتی که بالقوه دارای معنی عاطفی هستند و تحت شرایط خاصی معنی عاطفی آنها

بروز می‌کند.

۳-۳- معنی عاطفی در سطح نحوی:

در این سطح علاوه بر نابرابری گروهها و جملاتی که دارای این نوع معنی هستند،

ساخته‌هایی که معمولاً برای معنی عاطفی بکار می‌روند را نیز ذکر می‌کنیم.

- گروهها و جملاتی که صرفاً معنی عاطفی دارند:

- برخی ضرب‌المثل‌ها: این نوع ضرب‌المثل‌ها به دلیل قدمتی که دارند معنی تحت‌اللفظی

خود را از دست داده‌اند، علی‌مانند و حوضش، خرما خورده منع خرما نکند، ما خیک پنیر را

رها کردیم خیک ما را رها نمی‌کند، از آب کره می‌گیرد.

گروه: مانند عهد قیف علی شاه (زمان بسیار قدیم)، سلام کج و کنجل (سلام)، فاطی اره

(زن فضول)، بلبل درخت نارگیل (میمون).

جمله:

موه‌اش یکی بود سرش هیچکس نبود (فرد کچل که بیانگر نگرش طنزآمیز خاصی

است). قلم نخ کش شد (برای بیان احساس ترس) به قیفت نمی‌خوره (بهت نمی‌آید). جمالت

پیف پاف (حرف نزن)، پوستر کردن، تابلوشدن (رسواییدن) شب بود سیبیل‌تو ندیدم (به

تمسخر کسی را بزرگتر قلمداد کردن)

- دعاها و نفرین‌ها:

خدا او را بیامرزد، الهی دست به خاک بزنی طلا بشه، الهی به زمین گرم بخوری، ...

#### - عبارات توهین آمیز:

که شامل دشنام‌هایی است که بصورت یک جمله یا گروهند. مانند سوسول سیاسوخته، بی همه چیز بی پدرومادر و ...

- شبه‌جملاتی که می‌توانند در مقام یک جمله عمل کنند، مانند آفرین، به‌به، (که هر دو برای بیان تحسین بکار می‌روند) و ...

- گروهها و جملاتی که هم معنی عاطفی و هم معنی توصیفی دارند

- برخی ضرب‌المثل‌ها: مانند پشه در برابر باد تاب نیارد، استخاره دل آدمی است، از ماست که برماست، از دل برود هر آنکه از دیده رود.

- گروهها و جملاتی که هم معنی اجتماعی و هم معنی عاطفی دارند:

مانند گروهها و جملاتی که برای تشکر و عذرخواهی و بیان احترام آمیز بکار می‌روند. همچنین در این حوزه برخی از واژه‌های عامیانه نیز وجود دارند مانند: هوشنگتیم، سی الو وجودتم، سوراخ جورابتتم، کوچیکتم، مخلصیم، چاکریم، نوکریم، و ... که همگی بیانگر احساس ارادت و محبت به مخاطب هستند.

#### ساخت‌های غالب عاطفی:

در زبان فارسی اگرچه اجزای جمله دارای نظم است اما این نظم معمولاً در کلام خبری رعایت می‌شود در کلام عاطفی نظم اجزای کلام به اقتضای حال و موقعیت ممکن است رعایت شود. و این بستگی به آن جز جمله‌ای دارد که مورد تاکید است. مثلاً به سبب اهمیت بیشتر فعل، آنرا پیش از نهاد می‌آوریم: زرفتی تو هنوز، نیفتی علی و یا اهمیت مفعول نیز موجب تقدم آن بر نهاد می‌شود. همه به او می‌گفتند آقا اسماعیل.

#### نتیجه

به نظر می‌رسد در فرایند خود تصحیحی در زبان فارسی از بین انواع معنی عاطفی در سطوح مختلف معنی عاطفی در سطح واژگانی کاربرد بیشتری دارد و در این سطح از نام آواها، اصطلاحات عامیانه، دشنام‌ها برای بیان این معنی استفاده می‌شود. همچنین کاربرد سطح نحوی محدودتر بوده و شامل دعاها، نفرین‌ها و عبارات توهین آمیز می‌شوند.

## منابع و ماخذ

۱. — وحیدیان کامیار، محمدتقی: ۱۳۷۵، فرهنگ نام آواها در زبان فارسی، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد
  ۲. — رجبزاده، هاشم، ۱۳۷۲، برخی از مثالها و تعبیرات فارسی، مشهد، آستان قدس رضوی
  ۳. — اکرامی، محمود، ۱۳۸۴، مردم‌شناسی اصطلاحاً خودمانی، مشهد، نشر ایوار.
  ۴. — میر مرتضوی، اکرم‌السادات، ۱۳۶۵، گزینه امثال و حکم، مشهد، چاپخانه خراسان.
- Lobner Sebastian, ۲۰۰۲ {first published}, understanding semantics, oxford university press